**نظریه پرداز «انسجام»**

**اصفهانی، رضی**

کرسی نشاندن آن را از اساس نادرست‏ قلمداد کرد.موضوع اعجاز قرآن،نسل‏های‏ مختلف دانشمندان مسلمان را مسحور خود ساخته و منجر به تولید آثار فراوانی در این‏ حوزه شده است اما گمان می‏کنم که تحدی‏ قرآن مبنی بر اینکه آنانی که در خاستگاه‏ الهی این کتاب شک دارند باید مانند آن را بیاورند،متوجه مخاطبان نخستین قرآن‏ یعنی اعراب بی‏ایمان،بوده است و ناتوانی‏ برای همیشه بسته است که دیگر هیچ نیازی‏ نیست تا در اعصار بعد،بازگشوده شود. دیدگاهی که بیان می‏دارد دانش همواره‏ مؤید قرآن است یا موضعی که در این مقاله‏ گرفته شده-یعنی آنکه قرآن را نمی‏توان‏ در گرو علمی که تغییرپذیر است،قرارداد- نفی نمی‏شود.

2-شگفت‏انگیز است که در سده‏های‏ نخستین-که شاهد فعالیت علمی جدی‏ مسلمانان بوده-عمده تفاسیر قرآن،در کل، خالی از ارجاعات علمی است؛حال آنکه در این دوره و زمانه که فعالیت علمی مسلمانان‏ روی به ضعف نهاده،از قرار معلوم بسیاری‏ از مسلمانان،علم را پشتیبان و مدافع آیین‏ اسلام یافته‏اند.امروزه،دانش جدید نقطه‏ اتکای تفسیر علمی است که صرف‏نظر از تبار و تاریخ پیدایش‏اش،فرآورده تمدن‏ غرب است‏12.این مسئله مهمی است؛خواه‏ علم بی‏ارزش باشد و خواهد پرارزش،دلایل‏ محکمی در تایید این باور در دست است که‏ فرهنگ علمی،به لحاظ نظری و عملی،با بافت تمدنی که آن را پدید آورده،پیوندی‏ ناگسستنی دارد.علم،پدیده‏ای انتزاعی‏ یا ناشناخته نیست؛علم،بر مجموعه‏ای‏ از پیش‏انگاره‏ها استوار است که اساس و بنیادی اجتماعی وفرهنگی دارد؛علم،خلق‏ و خوبی دارد و هویتی‏13.تصور می‏گنم که‏ تفسیر علمی-در شکل کنونی‏اش-درصدد است که علم غربی را به نام اسلام تعمید دهد.به دیگر سخن،تفسیر علمی فاقد اصالت خاستگاه است.منظور از اصالت‏ خاستگاه،بومی ساختن انگیزه،دورنما و ساختار تفسیر علمی است.بخش اعظم‏ تفسیر علمی قرآن در این تعریف نمی‏گنجد. 3-هر عقیده‏ای که راجع به داده‏های‏ به اصطلاح علمی قرآن بیان شود،باید با دیگر دیدگاه‏ها در باب سایر داده‏های‏ قرآن،مثلا اطلاعات تاریخی،همخوانی‏ داشته باشد.سوره سی‏ام قرآن-به نام روم‏ -پیشگویی مشهوری دارد که به حقیقت‏ پیوسته و از این قرار است:«رومیان که‏ مغلوب پارسیان شده بودند،به زودی بر آنان‏ غالب خواهند شد».اما این حقیقت که قرآن‏ پیشگویی خاصی کرده که درست از آب‏ درآمده،لزوما بر این دلالت ندارد که قرآن‏ همه پیشامدهای آینده را در بر دارد.کسی‏ ادعا ندارد که قرآن به تصرف اسپانیا به دست‏ طارق بن زیاد در سال 91 قمری،به پیروزی‏ صلاح الدین ایوبی بر طیبیان در حطین به‏ سال 583 قمری،یا به انقلاب سال 1357 شمسی در ایران اشاره کرده است؛با این‏ همه،اگر قرآن بنابر قول رایج،علم الاولین‏ و الآخرین را شامل باشد،پس نباید جایگاه‏ تاریخ در قرآن کمتر از علم باشد.اگر نمی‏توان ادعا کرد که قرآن گنجینه همه‏ رویدادهایی است که در تاریخ رخ خواهد داد،این ادعا را نیز نمی‏توان داشت که قرآن، گنجینه جملگی اختراعات و اکتشافاتی‏ است که پدیدار خواهد شد.

4-متعاقب قاعده‏ای که در بالا ابراز شد، مبنی بر اینکه دیدگاه ما نسبت به آیات‏ به اصطلاح علمی قرآن باید با دیدگاه‏مان‏ در باب آیات غیر علمی آن هماهنگ باشد، بحق می‏توان گفت که قرآن مخاطبان خود را به مطالعه علمی طبیعت ترغیب کرده‏ است.گو اینکه قرآن به معنی دقیق کلمه، کتاب تاریخ نیست،با این حال می‏توان‏ گفت که به مطالعه و موضوعات دیگر نیز می‏توان‏ چنین سخنی گفت.قرآن نه تنها به‏ بیان احکام یا نقل حکایت‏های تاریخی‏ می‏پردازد بلکه انگیزه نیز می‏بخشد.قرآن‏ در روح مسلمانان نخستین،بصیرت و انگیزه‏ای دمید که سنت فکری ممتازی را پی نهادند.در پایه‏گذاری آن سنت،محیط اطراف نیز که جریان‏ها و نهضت‏های‏ فکری غالب وقت را شامل می‏شد،تهییج‏ مسلمانان را سبب می‏آمد.به نظر من‏ هیچ عینی ندارد که مسلمانان،امروزه نیز پذیرای تهییج مشابهی از سوی محیط فکری جدید شوند که یکی از مؤلفه‏های‏ مهم آن،صور علم است.سفارش‏های قرآن‏ به تأمل در آیات خداوند که در همه جا وجود دارد(بقره:164؛یونس:6 و 101؛ عنکبوت:20؛جائیه:5-3؛و آیات دیگری‏ از قرآن)،تاثیر خود را از دست نداده است. باید اعتراف کرد که مسلمانان نیازمند آن‏ هستند که فراخوان قرآن را مبنی بر مطالعه‏ ژرف در طبیعت پاسخ گویند.اما آنان باید مطمئن شوند که به قدر کفایت،آماده این‏ پاسخگویی شده‏اند.این آمادگی متضمن‏ آن است که مسلمانان در کار سنت علمی‏ دیرین و ارزشمند اسلامی کار کشته شوند، بیاموزند که آن را بزرگ دارند و بکوشند که‏ از درون آن سنت،افق‏های تازه‏ای از علم و معرفت بگشایند14.اگر پروژه تفسیر علمی‏ نتواند مدرکی دال بر اصالت خاستگاه‏ خود ارائه کند،حقیقتا در سنت اسلامی‏ قابل پیاده‏سازی نخواهد بود.

نوشتار حاضر ترجمه‏ای است از مقاله‏ای با عنوان:«- Scientific exegesis of Qur'an a viable project که در شمارهء اول( Summer (2004)از مجلد دوم مجله islamScience Journal of Islamic Perspecrives on ) Sciencs )وابسته به مرکز الاسلام و العلوم( Center for Islam and Science(CIS )،واقع در کانادا منتشر شده است.نشانی اینترنتی مؤسسه از این قرار است. WWW.cis-ca.org (مترجم)

پی‏نوشت‏ها:

(1)-تعدادی از این آثار عبارت است از:

-حسن حامد عطیه،«خلق السماوات و الارض فی سنه‏ ایام»فی العلم و لاقرآن(تونس:نشر و توزیع مؤسسه‏ عبد الکریم بن عبد اللّه،1992 میلادی»؛

Mohammad Gamal El Din El-Fondy,- Why I am a Believer,trans.from the Arabic by Taha Omar and revised by M.G.El-Fandy(Cairo:The Supreme Council for Islamic Affaris,n.d .)؛

-محمد منصور حسب النبی،القرآن الکریم و العلم‏ الحدیث(قاهره:الهیئه المصریه العامه للکتاب،1991 میلادی).

-موسی الخطیب،من دلائل الاعجاز العلمی فی القرآن‏ و السنه النبویه(قاهره:مؤسسه الخلیج العربی للطباء(و النشر،1415 قمری/1994 میلادی)؛

-عبد الرزاق نوفل،من الآیات العلمیه(قاهره و بیروت: دار الشروق 1409 قمری/1989 میلادی)؛

- Afzalur Rahman,Qur'anic Sciences- London:The Muslim Schools Trut, ) 1981 ؛

-صدیقوی،رضی الدین،قرآن‏آور سیینس(الیگره: انجمن ترقی اردو و هند،1946 میلادی).

(2)-مقایسه کنید با این عبارت‏[دکتر] مهدی گلشنی:«همه علوم،الهیاتی یا طبیعی،وسیله‏ای است برای قرب الهی‏ و تا هنگامی که این نقش را ایفا می‏کند، مقدس است.»( Mehdi Gilshni,The Holy Qur'an and the Sciences of Nature(Binghamton:Instiute of Univercity,1999,p.5

(3)-طنطاوی جوهری،الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم‏ المشتمل علی العجائب،26 مجلد(قاهره:مصطفی‏ الباقی الحلبی،بی‏تا).

(4)- Maturice Bucaille,The Bible,the Qur'an and Science(Indianpolis: North American Trust Publications,1978 -عنوان اصل فرانسوی کتاب چنین است:

La Bibla,Le Coran et La Science Les Ecriturtes Saintes Examinees A La Lumiere Des Connaissanses Monemes (Paris:Seghers,1976);eng trans

-مشخصات برگردان فارسی کتاب از این قرار است: مقایسه‏ای میان تورات،انجیل،قرآن و علم،موریس‏ بوکای،مترجم:ذبیح اللّه دبیر،دفتر نشر فرهنگ‏ اسلامی،تهران 1368.(مترجم)

(5)-محمد حسین الذهبی-الإتّجاهات المنحرفه فی‏ تفسیر القرآن الکریم(قاهره دار الإعتصام،1396 قمری/1976 میلادی)،صص 87-86.

(6)-همان،ص 87.

(7)-همان،ص 87.

(8)- Qur'anic Sciences

(9)-همان،صص 328.

(10)-امین احسان اصلاحی،تدبّر قرآن،9 مجلد (لاهور:2000, Faran Foundation )،ج 4،صص‏ 279-278.

(11). Wiilliam F.Campbell,The Qur'an and the Bible in the Light of History and Science(Upper Darby,Pennsylvania: Middle East Resources,1986 ).

(12)-همچنان که ضیاء الدین سردار بیان می‏دارد«علم‏ جدید مشخصا غربی است.در سراسر کره زمین همه علوم‏ مهم به لحاظ اسلوب و روش غربی است؛حال دانشمندان‏ آنها به هر رنگ و زبان که باشند»( Ziauddin Sardar,Explorations in Islamic Science London and New York:Mansell, (1989),p,6

(13)-ضیاء الدین سردار در Explorations in Science صص 97-95)،در قالب جدول،به‏طور خلاصه تفاوت‏های عمده میان علم غربی و علم اسلامی‏ را بیان می‏کند.بنابر نقل سردار عالمی مسلمان:«علم، به لحاظ تأثیرگذاری،درجه‏بندی اولویت‏ها و هدایت و راهبری پژوهش،به طرز پیچیده‏ای با ایدئولوژی پیوند دارد تا حدی که امروزه دانشمندان ایوئولوگ شده‏اند» (همان،ص 2)،همچنین نگاه کنید به:

J.R.Ravets,"Science and Values"in Ziauddin Sardar(ed)The Touch of Midas:Science,Values and Enviroment in Islam and the West(Peraling Jaya, Malaysia:Pelanduk Publications,1988), .53-pp.43

(14)-مقایسه کنید با:پذیرش محتاطانه مفهوم اعجاز علمی از سوی یوسف القرضاوی در:یوسف القرضاوی، العقل و العلم فی القرآن الکریم(قاهره:مکتبه وهیه، 1416 قمری)1996 میلادی،من التفسیر الموضوعی‏ للقرآن الکریم)،صص 296-292.

ترجمه:ابو الفضل والازاده

نظریه‏پرداز«انسجام»

 رضی اصفهانی‏ دکتر مستنصرمیر ( Mustansir Mir )در اصل متولد 1949 پاکستان‏ است.وی به ترتیب در سال‏های 1967 و 1969 لیسانس و فوق لیسانس خود را از کالج دولتی دانشگاه‏ پنجاب،واقع در شهر لاهور پاکستان دریافت‏ کرد و سال بعد موفق به دریافت فوق لیسانس‏ دیگری در رشته مطالعات اسلامی از دانشگاه‏ میشیگان آمریا شد.وی در سال 1983 از همین‏ دانشگاه دکترا گرفت.از آن پس مستنصرمیر در دانشگاه‏های میشیگان،ویرجینیا(آمریکا)و دانشگاه بین المللی اسلامی(مالزی)به تدریس‏ مشغول بوده است.طی سال‏های 1995 و 1996،مستنصرمیر استاد مدعو مرکز مطالعات‏ اسلامی در دانشگاه آکسفورد(انگلستان)بود و در سال‏های اخیر استاد مطالعات اسلامی در دانشگاه دولتی یانگستاون(اوهایو،آمریکا)بوده‏ است.وی همچنین به‏طور مشترک با دکتر ممتاز احمد،سردبیری فصلنامه مطالعات اسلام‏ معاصر( Studies in Contemporary Islam )را بر عهده دارد که از سوی همین‏ دانشگاه منتشر می‏شود.حوزه اصلی تحقیقات و تالیفات مستنصرمیر،مطالعات قرآنی است.وی‏ علاوه بر این،یک کتاب و چند مقاله درباره محمد اقبال،مصلح معروف پاکستانی منتشر کرده است. 3 کتاب قرآنی او عبارتند از:نظم و انسجام در قرآن:بررسی دیدگاه‏های تفسیری مرحوم امین‏ احسن اصلاحی در کتاب تدبر قرآن(1986)؛ فرهنگ اصطلاحات و مفاهیم قرآنی(1987)؛ تعابیر و اصطلاحات زبانی قرآن(1989).وی‏ همچنین بیش از 20 مثاله قرآنی در مجلات‏ معروف کشورهای اسلامی و غربی نگاشته است. شاید بتوان مهم‏ترین کتاب قرآنی مستنصرمیر را همان اثر نخست وی،یعنی نظم و انسجام در قرآن‏ دانست.این کاب در اصل رساله دکتری مولف‏ در دانشگاه میشیگان(آمریکا)در سال 1983 بوده است که وی در آن می‏کوشد یکی از تفاسیر معاصر را که به زبان اردو نگاشته شده است،به‏ محققان غربی معتقد کند.نام این تفسیر تدبر قرآن(8 جلد،1967-1980)است که به قلم‏ مفسری هندی به نام مولانا امین احسن اصلاحی‏ (متولد 1906/1324 ق؛ایالت اوتار پرادش،هند) تالیف شده است.اصلاحی معروف‏ترین شاگرد امام فراهی(1930-1863)از مفسران و مصلحان‏ هندوستان بود،اما خود بخش اعظم عمر خویش‏ را در پاکستان به سر برد.وی 10 سال پیش،در 1997 درگذشت.

نقطه‏نظر اصلاحی در تفسیر قرآن، توجه به نظم و چینش آیات آن است.اگر از معدود عالمان گذشته چون امام مالک بن انس‏ و باقلانی بگدریم که معتقد بودند تدوین و چینش قرآن توقیفی و از سوی خداوند نیست، می‏توان گفت که دانشمندان اسلامی عمدتا به چینش الهی آیات قرآن و نظم قرآن معتقد بوده‏اند مستنصرمیر در این کتاب می‏کوشد تا نشان دهد مفهوم نظم و انسجام قرآن در نظر اصلاحی و استادش،امام حمید الدین‏ عبد الحمید فراهی،متفاوت از گذشتگان و حتی معاصرانی چون علامه طباطبایی(ره) در تفسیر المیزان و سید قطب در فی ضلال‏ القرآن است.به نظر وی،اصلاحی نخستین‏ کسی است که در تفسیر تدبر قرآن خود،نظم‏ و انسجام ساختاری قرآن را علاوه بر انسجام‏ مضمونی آیات آن مورد توجه قرار داده است و همین امر تفسیر او را به کلی از اسلافش متمایز کرده است.